

اهداف نزول قرآن و نقش آن‌ها در جهت‌دهی علوم انسانی

جواد کلاهدوز^۱

چکیده

یکی از مبانی مهم تفسیر علمی قرآن توجه به اهداف اصلی و فرعی قرآن از بیان مطالب علمی است که توجه به این مبنا می‌تواند موجب جهت‌دهی صحیح به تفسیر علمی در علوم طبیعی و انسانی گردد. چنان‌که خود آیات قرآن گواهی می‌دهد، هدف نهایی و اصلی از نزول قرآن، هدایت انسان، یعنی به کمال رسانیدن استعدادهای اوست؛ اما در راستای همین هدف اصلی، بیان مطالب علمی قرآن، اهداف فرعی دیگری نیز دارد: هموار نمودن شناخت مبدأ و معاد با بیان قدرت پروردگار در علوم طبیعی و انسانی، اثبات نبوت و اعجاز قرآن از راه اثبات فرابشری بودن مطالب دقیق علمی، نشان دادن اهمیت و جایگاه علم از دیدگاه اسلام، ایجاد پرسش در ذهن بشر و دعوت او به تفکر در شگفتی‌های علوم طبیعی و انسانی و نظریه‌پردازی متفکران در این عرصه‌ها از جمله آن‌هاست.

اگرچه که قرآن کتاب اقتصاد، روان‌شناسی، مدیریت و ... نیست و نمی‌توان با نگاه ابزاری، مطالب علمی را به قرآن تحمیل کرد، اما از این نکته نیز نباید غفلت نمود که هر جا قرآن در این علوم ورود پیدا کرده، صحیح‌ترین و دقیق‌ترین نکات آن علم را بیان نموده و درهای فهم بیشتر را به روی انسان گشوده است. بی‌توجهی به اهداف اصلی و فرعی نزول قرآن، مفسر را به تفسیر به رأی، تطبیق بدون دلیل مطالب غیر قطعی علوم بشری با آیات و یا پایین آوردن جایگاه مطالب دقیق علمی قرآن، در حد ساده نمودن فهم مخاطب و پندار امکان‌غیر واقعی بودن آن‌ها می‌رساند.

کلید واژگان: قرآن، اهداف نزول، تفسیر علمی، علوم انسانی، مبانی تفسیر، تفسیر نامعتبر.

^۱. دانشجوی دکتری جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه

درآمد

از پرسش‌هایی که همواره دانشمندان را به خود مشغول کرده این است که هدف غایی از نزول قرآن و نیز آیات علمی آن چه بوده است؟ آیا هدف آیات علمی همان هدف کل قرآن است یا با آن متفاوت است؟

اهمیت این پرسش‌ها آن است که نوع پاسخ به آن‌ها، موجب ایجاد خط فکری برای مفسر شده و سبب تغییر در نوع نگرش وی به آیات قرآن در راستای همان هدف پیش فرض خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت که پاسخ به این پرسش‌ها یکی از مبانی اساسی تفسیر و از جمله برداشت علمی از آیات قرآن خواهد بود که موجب جهت‌دهی صحیح یا نادرست به تفسیر آیات علوم طبیعی و انسانی می‌گردد.

در این نوشتار ابتدا به تبیین هدف اصلی از نزول قرآن پرداخته، آن‌گاه اهداف فرعی و زیرمجموعه این هدف در راستای نزول آیات علمی قرآن بررسی و تبیین می‌گردد. سپس به نقش و جایگاه این اهداف اصلی و فرعی در نوع نگرش و برداشت از آیات علمی قرآن و نیز به پیامدهای بی‌توجهی به این اهداف در تفسیر علمی آیات خواهیم پرداخت.

لازم به ذکر است که در این مقاله هدف بیان نقش اهداف نزول در جهت‌دهی به برداشت‌های علمی از قرآن است، در برخی از موارد از نمونه‌های مربوط به علوم طبیعی و گاهی از مثال‌های علوم انسانی استفاده شده است.

اهداف نزول قرآن

الف) هدف اصلی

بدیهی است که بهترین مرجع برای یافتن هدف غایی از نزول قرآن، کلام وحی است. در آیات فراوانی، ویژگی‌ها و اوصافی از قرآن کریم و نیز رسالت‌ها و اهداف گوناگونی برای نزول آن بیان شده است.

از اساسی‌ترین و جامع‌ترین تعابیر در این زمینه می‌توان به «هدایت انسان‌ها»: شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ ... (بقره / ۱۸۵)؛ «ماه رمضان (ماه‌ی است) که قرآن در آن فرو فرستاده شد، در حالی که [آن قرآن] راهنمای مردم و نشانه‌هایی از هدایت و جداکننده [حق از باطل] است ...» و یا «خارج نمودن انسان‌ها از تاریکی‌ها به سوی نور»: هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَيَّ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ... (حدید / ۹)؛ «او کسی است که آیات روشنگری بر بنده‌اش فرو می‌فرستد تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورد ...» اشاره نمود.

البته تعبیرهای قرآنی برای اهداف نزول قرآن یا رسالت‌ها و کارکردهای قرآن، بسیار فراوان و متنوع بوده و هر وصفی از اوصاف کارکردی قرآن، به بُعدی از ابعاد هدایتی آن اشاره دارد؛ اما در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که غایت نهایی نزول قرآن کریم، «هدایت» به معنای به کمال رسانیدن استعدادهای انسان در سه بُعد بینش، گرایش و عمل می‌باشد. بنابراین نمی‌توان تصور نمود که هدف از نزول آیات علمی قرآن با هدف از نزول کل آیات متفاوت باشد؛ چرا که هدف جزء باید تابع و در راستای هدف کل باشد.

«در قرآن کریم، بحث درباره جهان، طبیعت و انسان به طور استطرادی و حاشیه‌ای به میان آمده است و شاید هیچ آیه‌ای نیابیم که مستقلاً به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمان‌ها و زمین پرداخته باشد. در موارد بسیار، گفت‌وگو از آفرینش جهان و انواع آفریده‌ها برای آگاهانیدن انسان و رهنمونی اوست به عظمت الهی و سترگی حکمت که خدا در آفرینش به کار برده است. در همه جا نیز این هدف ممکن است منظور باشد که انسان با نگرشی به عالم از آن جهت که آفریده خدا و در چنبره تدبیر اوست. معرفت فطری و شناخت حضوری خود را شکوفایی دهد و شدت و نیروی بیشتری بخشد و عقربه دل او را در جهت خدا نگه دارد. به عبارت دیگر، قرآن، کتاب فیزیکی، گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی و یا کیهان‌شناسی نیست. قرآن کتاب انسان‌سازی است و نازل شده است تا آنچه را که بشر در راه تکامل حقیقی (تقرب به خدای متعال) نیاز دارد به او بیاموزد و لذا آیات مربوط به جهان و کیهان در هیچ زمینه، هیچ گاه به بحث‌های تفصیلی، در مورد موجودات نپرداخته است؛ بلکه به همان اندازه‌هایی که هدف قرآن در هدایت مردم تأمین می‌شده، بسنده کرده است.» (مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، ص ۲۲۵-۲۲۶-۲۲۸ با تصرف و تلخیص)

آن‌گاه که مفسر آیات علمی قرآن در هنگام تفسیر آیات علمی به هدف هدایت‌گری قرآن توجه داشت، می‌کوشد تا ضمن بیان مطالب علمی قرآن، به دنبال جهت هدایتی آیه و کشف رابطه میان این مطلب علمی با جهت‌گیری کلی آیات باشد.

بنابراین در برداشت علمی از آیات قرآن، ضمن تعمق همه‌جانبه در ابعاد گوناگون علمی آیه نباید به گونه‌ای در آن مطالب ورود پیدا کنیم که اساساً هدف اصلی آیه به‌بوته فراموشی سپرده شده و گویا نزول آیه تنها برای بیان آن مطلب علمی بوده است.

در دهه‌های اخیر که گرایش به تفسیر علمی افزایش یافته، کسانی را می‌یابیم که گرچه در علوم مختلفی صاحب تخصص هستند اما در علم تفسیر و شیوه‌های آن از تخصص لازم برخوردار نبوده و به صرف علاقه به این موضوع، در این رشته مهم وارد شده و با نگاهی صرفاً علمی و برای همراه نشان دادن قرآن با

دستاوردهای قطعی یا غیر قطعی علم و- گرچه با برداشت صحیح- تنها در صدد بیان مطلب علمی آیات بوده و با جدا نمودن مطلب علمی، از اهداف هدایتی آیات، فاصله گرفته‌اند.

البته ممکن است که در برخی از این برداشت‌ها، اصل سخن صحیح باشد، اما آیه در صدد بیان آن مطلب نیست و به نوعی تحمیل مطلب بر آیه، بدون توجه به هدف هدایتی آن صورت می‌گیرد. در این مجال، به بیان نمونه‌هایی از این برداشت‌های نادرست در علوم انسانی اشاره می‌نماییم:

علم اقتصاد

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران/ ۱۰۳)؛ «و همگی به ریسمان خدا، تمسک جوید، و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خودتان، به یاد آرید، آنگاه که دشمنان (یکدیگر) بودید، و [او] میان دل‌های شما، الفت انداخت، پس به (برکت) نعمت او، برادران (همدیگر) شدید. و شما بر کنار حفره‌ای از آتش بودید، و شما را از آن نجات داد؛ اینگونه، خدا نشانه‌هایش را برای شما روشن بیان می‌کند؛ تا شاید شما راهنمایی شوید.»

با این که تمامی مفسران شیعه و اهل سنت مفاد و پیام آیه را دعوت جامعه اسلامی به وحدت حول «حبل الله» دانسته‌اند، (برای نمونه ر. ک: فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۸/ ۳۱۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۲/ ۸۰۵) اما برخی بدون توجه به اهداف هدایتی آیه، و بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های اجتماعی جامعه اسلامی، با نگاه اقتصادی، از این آیه الگوی توسعه اقتصادی را برداشت نموده‌اند. (ر. ک: قرآن و اقتصاد، ۱۳۸۴: ۱۶۷)

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَ مَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (انعام/ ۱۳۲)؛ «و برای هر یک (از این گروه‌ها) رتبه‌هایی است، (که ناشی می‌شود) از آنچه انجام دادند؛ و پروردگارت از آنچه انجام می‌دهند غافل نیست.»

در این آیه بدون دقت در اهداف تربیتی و سیاق قیامتی آیه، با دید اقتصادی و با تعمیم دادن «عمل» به فعالیت‌های اقتصادی، استفاده شده است که این آیه به کار و تلاش اقتصادی تشویق می‌نماید. (ر. ک: قرآن و اقتصاد، ۱۳۸۴: ۲۷۴) این در حالی است که به شهادت مفسران اسلامی در این آیه سخن از این است که هر انسانی مطابق اعمال خود در دنیا، روز قیامت نتیجه عمل خود را مشاهده می‌نماید. (برای نمونه ر. ک: فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۱۳/ ۱۵۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ۴/ ۵۶۷) بنابراین هدف نزول آیه در این برداشت اقتصادی، مورد غفلت واقع شده است.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (انعام / ۱۶۰)؛ «هر کس (کار) نیکی آورد، پس برایش ده برابر مثل آن (پاداش) است؛ و هر کس (کار) بدی بیاورد، پس جز همانند آن کیفر نخواهد شد؛ و آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند».

مفسران، مطابق ظهور قوی آیه که مربوط به پاداش و کیفر انسان‌ها در روز قیامت است، به درستی از آیه برداشت نموده‌اند که خداوند در این آیه، پاداش بیش‌تر در مقابل مجازات کمتر را وعده می‌دهد. (برای نمونه ر. ک: فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۱۴ / ۱۸۹؛ طبرسی، مجمع البیان، ۶۰۲ / ۴) اما برخی با فاصله‌ای معنادار از اهداف تربیتی مورد نظر آیه، با نگاهی اقتصادی به جملات آیه و گسترش دادن دامنه واژه «حسنه» به فعالیت‌های اقتصادی، عملکرد نهاد بنگاه‌های معوض و سود آور را توجیه و به این آیه تحمیل نموده‌اند. (ر. ک: قرآن و اقتصاد، ۱۳۸۴: ۲۸۴)

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ (اعراف / ۴۶)؛ «و در میان آن دو [گروه بهشتیان و دوزخیان] مانعی است؛ و بر بلندی‌ها (اعراف، راد) مردانی هستند که هر یک (از آن دو گروه) را از چهره‌شان می‌شناسند؛ و اهل بهشت را که (هنوز) داخل آن (بهشت) نشده‌اند، در حالی که آنان (بدان) امیدوارند، ندا می‌دهند که: «سلام بر شما باد!»

«از این آیه که در سیاق آیات قیامت و توصیف کننده پرده‌ای از آن است تعبیراتی که درباره قیامت و زندگی جهان دیگر می‌شود، هیچگاه نمی‌تواند از تمام خصوصیات آن زندگی پرده‌برداری کند، و گاهی این تعبیرات جنبه تشبیه و مثال دارد و گاهی تنها شبیحی را نشان می‌دهد، زیرا زندگی آن جهان در افقی بالاتر و به مراتب از زندگی این جهان وسیع‌تر است، درست همانند وسعت زندگی این جهان در برابر دنیای رحم مادر و عالم جنین، بنا بر این اگر الفاظ و مفاهیمی که برای زندگی این جهان داریم نتواند گویای تمام آن مفاهیم باشد جای تعجب نیست». (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۶ / ۱۸۵) اما در این آیه نیز بدون دقت در سیاق قیامتی و اهداف هدایتی، با استفاده از جایگاه اعراف در قیامت و با توجه به جدایی مکان بهشتیان از دوزخیان، این گونه برداشت شده که باید نقشه مهندسی خانه مسلمان با غیر مسلمان در دنیا متفاوت باشد. (ر. ک: قرآن و اقتصاد، ۱۳۸۴، ۲۹۶)

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (يونس / ۳۹)؛ «بلکه چیزی را دروغ انگاشتند که به علم آن احاطه نداشتند، و هنوز سرانجام (واقعیت) آن برایشان نیامده است. کسانی (هم) که پیش از آنان بودند، همین گونه (پیامبران را) تکذیب کردند؛ پس بنگر فرجام ستمکاران چگونه بوده است!»

این که منظور از این آیه، جهل در باره چه اموری بوده است، مفسران احتمالات متعددی داده اند که تمام آن ها می تواند در آیه مقصود بوده باشد از جمله: جهل به معارف دینی و مبدء و معاد و یا جهل به اسرار احکام و یا جهل به مفهوم بعضی از آیات متشابه، و یا جهل به مفهوم حروف مقطعه و یا جهل به درسهای عبرت انگیزی که هدف نهایی ذکر تاریخ پیشینیان بوده است. مجموع این جهالت ها و بیخبری ها، آنان را وادار به انکار و تکذیب می کرد. (ر. ک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۸/ ۲۹۴)

اما برخی در این آیه با دید اقتصاد محور به قرآن کریم و با گسترش معنای «علم» به دانش اقتصادی و حیانی و با فاصله گرفتن از مفاد و مراد آیه، منکران نقش مسائل معنوی در توسعه اقتصادی را از جمله مصادیق آیه شمرده اند. (ر. ک: قرآن و اقتصاد، ۱۳۸۴، ۳۶۴)

... عِلْمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرَضِي وَ آخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ ... (مزمل / ۲۰)؛ «... (او) دانسته که برخی از شما بزودی بیمار می شوند و (گروهی) دیگر در زمین سفر می کنند در حالی که از بخشش خدا (روزی) می جویند، و (گروهی) دیگر در راه خدا پیکار می کنند، پس آنچه (برای شما ممکن و) آسان است از آن (قرآن) بخوانید، و نماز را برپا دارید ...»

روشن است که مفاد این جملات آن است که چون خداوند می داند شما گرفتار مشکلات مختلف زندگی در روز خواهید شد، در بیماری و مسافرت های ضروری و جهاد فی سبیل الله (که سه نمونه برای عذرهای موجه است) - و این عذرها مانع تداوم آن برنامه سنگین است -، به شما تخفیف داده است. (ر. ک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۲۵/ ۱۹۵)

هیچ یک از مفسران فریقین به خود تردیدی راه نداده اند که مراد از عبارت «يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ» مسافرت آنان به مناطق مختلف زمین است. (برای نمونه ر. ک: زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۴/ ۶۴۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۴/ ۶۰۲) اما هنگامی که بنا بر این باشد که با انگیزه استخراج مطلب مورد نظر از قرآن کریم به هر قیمت ممکن به آیات وحی نگاهی خاص شود، بدون توجه به هدف آیه و بدون کوچکترین توجهی به مفاد و معنای آیه و به صرف اشتراک ماده در دو واژه «يَضْرِبُونَ» و «مضاربه» با برداشتی عجیب، از این آیه، «مضاربه» در قرآن، استفاده شده است. (ر. ک: قرآن و اقتصاد، ۱۳۸۴، ۶۱۴)

وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم / ۳۹)؛ «و اینکه برای انسان جز کوشش او نیست.»

«سعی» در اصل به معنی راه رفتن سریع است که به مرحله دویدن نرسیده، ولی غالباً به معنی تلاش و کوشش به کار می رود، چرا که به هنگام تلاش و کوشش در کارها انسان حرکات سریعی انجام می دهد، خواه کار خیر باشد یا شر. جالب این که نمی فرماید: بهره انسان کاری است که انجام داده، بلکه می فرماید

تلاشی است که از او حاصل شده است، اشاره به اینکه مهم تلاش و کوشش است هر چند انسان احیانا به مقصد و مقصودش نرسد که اگر نیتش خیر باشد خدا پاداش خیر به او می‌دهد، چرا که او خریدار نیتها و اراده‌هاست، نه فقط کارهای انجام شده!» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ ش: ۲۲ / ۵۵۰)

اما افرادی که از مکتب مارکسیسم متأثر بوده‌اند، با نگاه مارکسیستی به این آیه و بدون توجه به هدف و سیاق آن، با ادعای واهی حصول انحصاری مالکیت از راه کار و تلاش اقتصادی، قوانین مسلم اسلامی مانند ارث، مضاربه، اجاره، زکات، خمس، وصایا و نذر را نفی نموده‌اند. (ر. ک: همان، ۲۲ / ۵۵۳)

قُلْ لِعِبَادِي الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَمَّيْعٌ فِيهِ وَكُلَّ خَلَالٍ (ابراهیم / ۳۱)؛ «(ای پیامبر) به بندگان من که ایمان آورده‌اند بگو: نماز را بر پا دارند؛ و از آنچه به آنان» روزی «داده‌ایم، پنهانی و آشکارا، (در راه خدا) مصرف کنند؛ پیش از آنکه روزی فرارسد، که در آن هیچ معامله‌ای و هیچ دوستی نیست.»

به اتفاق تمامی مفسران اسلامی مراد از فرا رسیدن روزی که در آن هیچ معامله‌ای و هیچ دوستی نیست وعده به در پیش بودن روز قیامت است. (برای نمونه ر. ک: فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۱۹ / ۹۶؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۶ / ۴۸۵) ولی مارکسیسم زدگان، با تحمیل مکتب خود به قرآن، با تحریف اهداف آیه و تصویر روز قیامت، آن روز را روزگاری که در آن، مبادله اقتصادی و شکاف طبقاتی نیست (روزی که مارکسیسم بر جامعه بشری سایه بیفکند) پیش بینی و معرفی نموده‌اند. (ر. ک: مکارم شیرازی، تفسیر بر رأی و هرج و مرج ادبی، بی تا: ۵۲)

روان‌شناسی و علوم تربیتی

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (بقره / ۳۰)؛ «(و یاد کن) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان فرمود: «در حقیقت من در زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار می‌دهم. (فرشتگان) گفتند: «آیا در آن کسی را قرار می‌دهی که در آن فساد کند و خون‌ها بریزد؟ در حالی که ما به ستایش تو تنزیه می‌گوییم، و تو را پاک می‌شماریم.» (پروردگار) گفت: «در واقع من آنچه را که [شما] نمی‌دانید، می‌دانم.»

در این آیه که داستان آغاز خلقت انسان و اراده الهی بر قرار دادن خلیفه الله روی زمین را حکایت می‌نماید، مراد از خلیفه خداوند، حضرت آدم است. (برای نمونه ر. ک: فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۲ / ۳۸۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۱ / ۱۷۶) اما برخی ضمن بی توجهی به اهداف آیه با برداشت بی دلیل و سمبلیک از مفهوم «خلیفه الله» ادعا کرده‌اند که مقصود از خلافت خداوند، «بهترین اعمال» است

که خداوند آن را از خلق فرایندهای روانی در نظر داشته است. (ر. ک: قرآن، روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۸۴: ۷۰)

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (نمل / ۲۳)؛ «در حقیقت من (در آنجا) زنی را یافتم که بر آنان زمامداری می‌کرد، و از هر چیزی (به او) داده شده بود، و برایش تخت بزرگی بود.»

در این آیه با چشم‌پوشی از این که نقل داستان در قرآن الزاما به معنای تأیید آن نیست، و نیز با بی‌توجهی به هدف آیه، حکومت ملکه سبأ به معنای روی آورد تعالیم اسلام به رهبری زنان برداشت شده است. (ر. ک: همان، ۲۷۵)

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (ملک / ۱۰)؛ «و گویند: اگر (بر فرض ما) همواره گوش شنوا داشتیم یا خردورزی می‌کردیم، در میان اهل شعله فروزان (آتش) نبودیم.»

مراد از سمع در این آیه داشتن گوش شنوا و پذیرش حق است (ر. ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ ش: ۲۴ / ۳۲۸) اما با غفلت از هدف هدایتی آیه در پذیرش حق از وحی و بدون دقت در کاربرد «سمع» و مشتقات آن در قرآن، با نگاهی فارسی به آیه، اهمیت ادراک حسی (حس شنوایی) در قرآن برداشت شده است. (ر. ک: قرآن، روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۸۴: ۳۸۴)

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (روم / ۷)؛ «(زیرا آنان) ظاهری از زندگی پست (دنیا) را می‌دانند، در حالی که آنان خود از آخرت غافلند.»

«تفاوت ظاهر و باطن دنیا هر چند واقعی است، درک آن بستگی به بینش انسان دارد. برخی افراد بینش مادی دارند و جهان را مجموعه‌ای از حوادث کور و بی‌هدف می‌شمارند اما افرادی که بینش توحیدی دارند جهان را مجموعه‌ای هدف‌دار و آفریده‌ی پروردگار می‌دانند که آزمایشگاه انسان‌هاست و هر حادثه و پدیده‌ی آن کتابی پر محتوا و اسرارآمیز است که در مجموعه‌ی هستی معنادار می‌شود و درس توحید می‌دهد و همه‌ی مجموعه جهان مرحله‌ای از هستی انسان است که به طرف جهانی دیگر در حرکت است و معاد ایستگاه نهایی آن است.» (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۱۶ / ۱۲۷) اما برخی، بدون دقت در هدف آیه با نگاه آموزشی به آیه، از آن، تعلیم روش یادگیری تجربه عملی یا آزمایش و خطا را برداشت کرده‌اند. (ر. ک: قرآن، روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۸۴: ۲۸۵)

علم حقوق

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ... (توبه / ۷۱)؛ «مردان مؤمن و زنان مؤمن برخی از آنان یاوران (و

دوستان) برخی [دیگر] اند. به [کار] پسندیده فرمان می دهند، و از [کار] ناپسند منع می کنند؛ و نماز را به پا می دارند؛ و [مالیات] زکات را می پردازند؛ و از خدا و فرستاده اش اطاعت می کنند؛ ...»

در این آیه با غفلت از هدف آیه و به دلیل این که یکی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر جهاد است، حق جهاد برای زنان برداشت شده است. (ر. ک: قرآن و حقوق، ۱۳۸۵: ۴۴۰)

یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (انشقاق / ۶)؛ «ای انسان! در حقیقت تو به سوی پروردگارت کاملاً تلاش می کنی (و رنج می کنی) و او را ملاقات می کنی.»

در این آیه انسانها را مخاطب ساخته و سرنوشت آنها را در مسیری که در پیش دارند برای آنها روشن می کند، می فرماید: «ای انسان تو با تلاش و رنج و زحمت به سوی پروردگارت پیش می روی، و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد» (ر. ک: زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۴ / ۷۲۶؛ طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۲: ۲۰ / ۲۴۲ و ۲۴۳) اما بدون توجه به این که ملاقات با پروردگار نهایت کمال انسان معرفی شده که در نتیجه تمام فعالیت های انسان باید در این مسیر رهبری شود، برخی با دید روان شناختی، از این آیه کفایت اجتماعی (به معنای قابلیت که کودک می تواند به وسیله آن از منابع محیطی بهره جوید و نتیجه رشدی خوبی به دست آورد) و نیز نیاز انسان به پیشرفت را برداشت نموده اند. (ر. ک: مرویان حسینی، قرآن و علم، ۱۳، ۱۰۴)

علم ادب و هنر

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (قصص / ۲۹)؛ «و هنگامی که موسی سرآمد (مدت شبانی) را به پایان رسانید و همراه خانواده اش (از مدین به سوی مصر) روان شد، از جانب (کوه) طور آتشی دید؛ به خانواده اش گفت: «درنگ کنید [چرا] که من آتشی دیدم؛ (می روم) تا شاید من خبری از آن یا پاره ای از آتش برای شما بیاورم، باشد که شما گرم شوید.»

در این آیه با غفلت از هدف هدایتی آن و با رد واقعی بودن آیه و با نگاهی سینمایی به آیه و با ادعای این که «زبان نمادین، زبان مشترک دین و سینماست»، نمادین بودن آتش طبیعی که رمزی از هدایت و روشنایی است، برداشت شده است. (ر. ک: قرآن، ادب و هنر، ۱۳۸۵: ۵۸۵)

ب) اهداف فرعی

اگرچه قرآن هدفی جز هدایت انسان ندارد، اما برای به نتیجه رسیدن این هدف نهایی، اهداف میانی و غیر مستقیم نیز وجود دارند که در راستای هدف اصلی و برای پوشش دادن به آن هستند که از جمله ویژگی مهم آنها غیر استقلالی بودن در برابر هدف اصلی است.

بنابراین می توان گفت که آیات مشتمل بر مطالب علمی، در سایه هدایت بشر، ممکن است اهداف میانی زیر را نیز در بر داشته باشد:

۱. هموار نمودن شناخت خداوند برای خضوع در برابر او.

یکی از نیازهای انسان برای هدایت، شناخت مبدأ و خالق است. قرآن کریم در آیات متعددی از گمراهانی یاد می کند که به دلیل جهل نسبت به مقام ربوبیت خداوند، دچار انحرافات مختلف اعتقادی و عملی بودند.

بدیهی است که اگر عظمت پروردگار به وسیله آیات علمی به خوبی تبیین گشته و جایگاه ربوبیت خداوند آشکار گردد، برای انسان هایی که از روی ناآگاهی منحرف شده اند، هدایت گر و برای لجوجان، سبب اتمام حجت خواهد بود.

«قرآن کریم با اشارات علمی خود، فطرت توحیدی انسان را به سوی رشد در یکتاپرستی و خشوع و خشیت در برابر خداوند، دعوت می نماید». (جمیلی، الإعجاز العلمي فی القرآن، ۲۰۰۰ م: ۱۰)

نکته مهم این است که در هنگام برداشت از این آیات، مفسر نباید یکسره به دنبال بیان دقیق علمی آیات بوده و از هدف آیه و نتیجه گیری که در آیه مقصود خداوند است، به کلی غافل شده و یا آن قدر مطالب علمی پر رنگ و بیان نتیجه ضعیف باشد، که مراد از آیه به حاشیه رانده شود.

توجه به این هدف قرآن در برداشت علمی از آیات، مفسر را به این جهت سوق می دهد که در ضمن بیان دقیق علمی آیه، عظمت قدرت خداوند را به خوبی نشان دهد تا مسیر را برای پذیرش ربوبیت الهی هموار نماید. در میان برداشت های علمی از آیات قرآن، گروهی از نویسندگان بدون توجه به این هدف و در مواردی بدون دقت در مفاد آیه تنها برای برداشت اهداف خویش به سراغ آیه رفته و گرفتار تحمیل دیدگاه خود بر آیه شده اند. (ر. ک: قرآن و علوم طبیعی، ۱۳۸۴: ۵۷، ۳۰۷ و ... و نیز ر. ک: قرآن و طب، ۱۳۸۵: ۳۶۵ و ...)

این نوع برداشت در همه عرصه های علمی دیده می شود که به برخی نمونه ها با تأکید بر علوم انسانی، اشاره می شود:

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَ مَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَ مَا تَزْدَادُ وَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ (رعد/ ۸)؛ «خدا می داند: آنچه را که هر ماده ای باردار می شود، و آنچه را که رحم ها می کاهند و آنچه را که می افزایند؛ و هر چیزی نزد او به اندازه ای است.»

در این آیه بدون توجه به بیان قدرت و علم پروردگار، نظریه «توازن حیاتی» به آیه تحمیل شده است. این دیدگاه می گوید که در بدن انسان و حیوان نوعی تمایل طبیعی به حفظ توازن در درجه ای ثابت وجود

دارد به گونه‌ای که اگر این توازن مختل شود عاملی در او برانگیخته می‌شود که به انجام فعالیت هماهنگ سازی برای بازگرداندن بدن به حالت توازن سابق وادارش می‌کند. (ر. ک: قرآن، روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۸۴: ۲۱۵) اما در تفاسیری که به اهداف آیه توجه می‌نمایند به علم و قدرت پروردگار به عنوان جهت‌دهی آیه نگاه می‌شود. (ر. ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۲ ق: ۱۱/۳۰۷؛ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ ق: ۱۲/۱۴۹) برای مثال در تفسیر نمونه در ذیل این آیه آمده است:

«در این بخش از آیات قسمتی از صفات پروردگار را می‌خوانیم که هم، بحث توحید را تکمیل می‌کند و هم بحثهای معاد را. سخن از علم وسیع پروردگار و آگاهی او بر همه چیز است، همان علمی که سرچشمه نظام آفرینش و شگفتیهای خلقت و دلایل توحید است، همان علمی که پایه معاد و دادگاه بزرگ قیامت است، و در این آیات روی هر دو قسمت (علم به نظام آفرینش و علم به اعمال بندگان) تکیه شده است.» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۰/۱۳۳)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا (فرقان / ۵۴)؛ «و او کسی است که از آب، بشری را آفرید؛ و او را (دارای خویشاوندی) نَسَبی و دامادی قرار داد؛ و پروردگار تو توانا است.» در تفسیر قرآن مهر در آموزه‌ها و پیام‌های این آیه آمده است: «در آفرینش انسان از آب و پیوندهای انسان‌ها دقت کنید و به قدرت خدا پی ببرید.» (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۱۴/۲۹۹ و نیز ر. ک: ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ ق، ۱۹/۷۷) اما برخی بدون توجه به بیان قدرت پروردگار و هدف هدایتی آیه از آن، به نقش ارتباطات اجتماعی و خانوادگی در تربیت پرداخته‌اند. (ر. ک: قرآن، روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۸۴: ۲۶۵ و نیز ر. ک: قرآن و طب، ۱۳۸۵: ۳۶۵)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره / ۲۱)؛ ای مردم! پروردگارتان را پرستش کنید، کسی که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا شاید شما [خودتان را] حفظ کنید.»

این آیه با دست گذاشتن روی نقطه اشتراک مخاطبان در پذیرش خالقیت پروردگار با بیان قدرت خلق او و برانگیختن حس شکرگزاری مردم، زمینه‌ی پرستش و فروتنی آنان در برابر خدا ایجاد کرده و مردم را به عبودیتش دعوت می‌نماید. (ر. ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱/۱۱۶ و رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۱/۱۹۵)

اما در برخی برداشت‌ها بدون توجه به اهداف تربیتی آیه، و بدون دقت در پیام آن و با نگاه مدیریتی و تحمیلی، به دلیل این که همه انسان‌ها به پرستش خداوند به طور هماهنگ امر شده‌اند، اصل مدیریتی

سازماندهی و هماهنگی میان اجزای یک سازمان و سطوح مختلف مدیریت، برداشت شده است. (ر. ک: قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، ۱۳۸۴: ۶۲)

أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (نحل / ۱۷)؛ «و آیا کسی که می آفریند، همچون کسی است که نمی آفریند؟! آیا (غافلید) و متذکر نمی شوید؟!»

با توجه به این آیه خداوند قدرت خلقت خویش را به فطرت انسان عرضه نموده و «می گوید آیا باید در برابر خالق این همه نعمتها سجده کرد یا موجوداتی که خود مخلوق ناچیزی بیش نیستند و هرگز خلقتی نداشته و ندارند.» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۱ / ۱۸۵) «اگر انسان آفرینش خدا را با دیگران مقایسه کند، عقل و فطرت خفته اش بیدار و به خداشناسی رهنمون می شود.» (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۱۱ / ۲۲۰ و نیز ر. ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۲ ق: ۱۲ / ۲۱۸؛ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ ق: ۱۳ / ۹۹)

در برخی نگاشته ها در مورد این آیه، بدون توجه به هدف هدایتی آیه و با بهره گیری از خالقیت خداوند، اهمیت خلاقیت و نوآوری در سازمان و شیوه مدیریتی آن برداشت شده است. (ر. ک: قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، ۱۳۸۴: ۲۷۸)

۲. زمینه سازی برای پذیرش معاد با بیان قدرت پروردگار.

یکی از بهانه هایی که در طول تاریخ، دستاویز منکران معاد بوده است، استبعاد معاد به دلیل جهل و انکار قدرت خداوند نسبت به معاد است.

قرآن کریم در آیات متعددی ضمن بیان شگفتی های علمی آفرینش، به این دسته از انسان ها گوشزد می نماید که خلق انسان در برابر عظمت آفرینش جهان هستی، برای خداوند آسان بوده و خلقت دوباره چیزی، از آفرینش نخستین و بدون سابقه آن دشوارتر نیست:

أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا * رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا * وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا * وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا * أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا * وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا * مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (نازعات / ۲۷ - ۳۳)؛ «آیا آفرینش شما سخت تر است یا آسمان که (خدا) آن را بنا کرد؟! سقف آن را برافراشت و آن را مرتب نمود، و شبش را تاریک کرد و نیمروزش را بیرون آورد. و بعد از آن، زمین را گسترش داد. آبش و گیاهش را از آن بیرون آورد، و کوه ها را استوار ساخت. (اینها) مایه بهره مندی برای شما و برای دام های شماست.»

در این گونه آیات، اگر مفسر همت خود را تنها در چگونگی خلقت آسمان ها و زمین و رازهای آن صرف نموده و از هدف بیان این عظمت غافل گردد، از جاده مستقیم برداشت از قرآن فاصله گرفته است.

به عنوان نمونه جمیلی مصری در کتاب «الإعجاز العلمي في القرآن» با کم توجهی به اهداف خداوند از بیان عجائب خلقت آسمان ها و زمین و قدرت الهی در خلقت، در ذیل این آیات تنها به بیان مطالب علمی دانشمندان علوم طبیعی پرداخته است. (ر. ک: جمیلی، الإعجاز العلمي في القرآن، ۲۰۰۰ م: ۳۵)

اما با توجه به اهداف آیه باید گفت که در این آیات «بار دیگر به مساله معاد و رستاخیز بر می گردد و نمونه هایی از قدرت بی انتهای حق را در جهان هستی به عنوان یک دلیل برای امکان معاد بیان می کند و گوشه هایی از نعمتهای بی پایانش را بر انسانها شرح می دهد تا حس شکرگزاری را که سرچشمه معرفه الله است در آنها برانگیزد.» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ ش: ۲۶ / ۹۸ و نیز ر. ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۲ ق: ۲۰ / ۱۹۰؛ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ ق: ۳۰ / ۷۴)

۳. اثبات رسالت پیامبر و اعجاز قرآن از راه اثبات فراگیری بودن مطالب دقیق علمی.

پروردگار در راستای هدایت انسان ها، بر فرستاده بودن پیامبر و ارتباط وثیق وی با خداوند و نیز الهی بودن قرآن و ممکن نبودن همانند آوری آن برای بشر تأکید نموده است.

روشن است که تبیین مطالب علمی قرآن در علوم طبیعی و انسانی، ضمن رد قاطع تأثیر پذیری قرآن از بشر جاهل زمان نزول که از کمترین آگاهی های لازم بهره ای نداشت، در گام بعدی با بیان مطالبی که در زمان نزول به گونه ای دیگر بر علم بشر حاکم بود و پس از قرون متمادی، حقانیت بیان قرآن آشکار گشته و نیز با گشودن درهای علوم طبیعی و انسانی که هنوز هم بشر توان تصور آن ها را- تا چه رسد به تصدیق- پیدا نکرده، به خوبی رسالت پیامبر و اعجاز قرآن را اثبات می نماید.

مفسری که به این هدف قرآن توجه داشته باشد، در بیان آیاتی که مشتمل بر اعجازهای علمی قرآن است، از بیان اثبات رسالت پیامبر و معجزه بودن قرآن غافل نمی گردد.

یکی از دانشمندان معاصر مصری در این باره با استشهاد به آیه سُنْرِیْهِمْ آیَاتِنَا فِی الْآفَاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّى یَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ (فصلت / ۵۳) می نویسد: «هدف بحث در تفسیر علمی قرآن و بیان معجزات خلق و خالق، اثبات درستی وحی برای غیر مؤمنان و تثبیت ایمان مؤمنین است ... روش تفسیر علمی قرآن ثابت نموده که هرچه بشر به پیش می رود و به تکامل و رشد علمی بیشتری می رسد، قدرت درک او نسبت به معجزات خلق و خالق در جهان و در جمادات و گیاهان و حیوان ها و انسان بیشتر شده و در نتیجه ایمانش

به خداوند و یقینش به کتاب او بیشتر خواهد شد». (حسنی یوسف، الإعجاز العلمي في أسرار القرآن الكريم و السنة النبوية، ۲۰۰۶ م: ۱/ ۱۹۱)

به عنوان نمونه آیت الله معرفت (ره) که از پیشگامان مباحث تفسیر علمی در زمان ماست، در بیان اعجاز علمی قرآن در علوم انسانی و طبیعی، به مسأله انتقال ویژگی های روحی و جسمی والدین به فرزندان از طریق وراثت پرداخته و می نویسد: «چه بسا قرآن کریم است که نخستین بار به انتقال بیماری های وراثتی به فرزندان و جنین، پس از چهارده قرن اشاره کرده است. در حالی علم در زمان ما و پس از کسب تجربه های فراوان به این واقعیت رسیده که در زمان نزول هنوز این مسأله آشکار نبوده است. خداوند درباره حضرت مریم می فرماید: فَآتَتْ بِه قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا* يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوْءًا وَمَا كَانَتْ أُمَّكَ بَغِيًّا (مریم/ ۲۷ و ۲۸)؛ «و (مریم) در حالی که او را در آغوش گرفته بود، وی را نزد قومش آورد؛ گفتند: «ای مریم! بیقین چیزی شگفت (و زشت) آورده ای! ای (همانند) خواهر هارون (در پاکی)، پدرت مرد بدی نبود، و مادرت زن تجاوزکار (و آلوده) نبود!»

قوم مریم از این تعجب کردند که چگونه او کاری ناپسند کرده باشد در حالی که پدرش انسان بدی نبود و مادرش نیز بدکاره نبود!! در این آیه خداوند بیان می نماید که حتی اخلاق با وراثت منتقل می گردد. اگر پدر و مادر انسان هایی بد خو باشند، این خوی زشت را به نسلشان منتقل خواهند نمود. (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵ ق: ۶/ ۹۴ و ۹۵)

۴. نشان دادن اهمیت و جایگاه علم از دیدگاه اسلام.

با در نظر گرفتن سه نوع نگرش نادرست که در نوع ارتباط میان علم و دین، - از تداخل و تعارض تا جدایی مطلق علم و دین - وجود داشته است، تبیین مطالب علمی قرآن در علوم طبیعی و انسانی، می تواند گامی مهم در اثبات بطلان این نگرش ها و تأییدی بر سازگاری علم و دین خواهد بود.

این نگرش در دنیایی که در آن چنین تبلیغات مسمومی در برابر اسلام رایج بوده است، می تواند نقش به سزایی در گسترش اسلام و تقویت باورهای دینی در میان مردم داشته باشد.

هنگامی که جویندگان دانش - با هر عقیده و فرهنگی - با قضاوتی منصفانه، اهمیت و جایگاه رفیع دانش و خرد را در اسلام با سایر ادیان مقایسه کنند، خواهند یافت که - به جز بی مهری هایی که از ناحیه کلیسا نسبت به دانشمندان شد - در متون دینی عهدین بی مهری های متعددی نسبت به علم یافت می شود.

علاوه بر این که در این متون در برخی موارد، در مقابل حکمت، موضع گیری شده که خدا حکمت را باطل کرده است و با جهل موعظه می کند و یا خداوند انسان را از خوردن درخت معرفت دانش افزا منع می کند، در برخی از گزاره ها با دانش نو در زمینه های مختلف تاریخی، باستان شناسی، زبان شناسی،

کیهان‌شناسی و ... (مانند مواردی از داستان خلقت جهان و انسان و ...) ناسازگار بوده به گونه‌ای که با پیشرفت بیشتر علوم، این تعارض‌ها آشکارتر می‌شود. (ر. ک: بوکای، ترجمه ذبیح الله دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ۱۳۸۶: ۳۹ تا ۵۵)

هنگامی که پیامدهای واقعیت تعارض کتاب مقدس با مسائل علمی، دامن قرآن را هم گرفت و ناجوانمردانه پندار ناسازگاری میان اسلام با علم ترویج شد، وظیفه دانشمندان دلسوز است که با هدف نشان دادن اهمیت و جایگاه علم از دیدگاه اسلام و سازگاری کامل میان علم صحیح و دین حقیقی، برداشت‌های صحیح را از آیات علمی قرآن، عرضه نموده در گرایش بشر به دین، نقش مثبت ایفا نمایند.

۵. ایجاد پرسش در ذهن بشر و دعوت او به تفکر در شگفتی‌های علوم با برانگیختن حس کنجکاوی.

پرسش‌گری و کنجکاوی از ویژگی‌هایی است که خداوند در نهاد همه انسان‌ها به ودیعت نهاده است. در صورتی که به این خصلت- مانند سایر ویژگی‌های انسان- بها داده شده و تقویت گردد، گسترش و تعمیق می‌یابد.

یکی از مهم‌ترین اسبابی که موجب تقویت این ویژگی می‌گردد، گشودن درهایی از علم به روی انسان و دعوت از او برای تفکر بیشتر در شاخه‌های گوناگون آن علم است.

قرآن کریم با مطرح نمودن برخی از اسرار آفرینش و نیز دعوت مکرر انسان به تفکر ژرف در شگفتی‌های خلقت آسمان‌ها و زمین و موجودات، را در این راستا رهنمایی می‌نماید. تبیین مطالب علمی قرآن در علوم طبیعی و انسانی، به ایجاد پرسش در ذهن بشر و تقویت روحیه پرسش‌گری در وی کمک نموده و او را به تفکر در شگفتی‌های علوم دعوت می‌نماید.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَ غَرَابِيبُ سُودٍ وَ مِنَ النَّاسِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ (فاطر/ ۲۷ و ۲۸)؛ «آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد، بوسیله آن محصولاتِ که رنگ‌هایش متفاوت است (از زمین) خارج ساختیم، و از کوه‌ها راه‌ها (و رگه‌ها) ی سپید و سرخ، که رنگ‌هایش متفاوت است و سیاه سیاه (آفریدیم)؟! و از مردم و جنبندگان و دام‌ها (انواعی هستند) که رنگ‌هایشان همانگونه متفاوت است. از میان بندگان خدا، فقط دانشوران از او هراس دارند؛ [چرا] که خدا شکست ناپذیری بسیار آمرزنده است.»

در تفسیر قرآن مهر در ذیل این آیه آمده است: «این آیه با یک پرسش شروع شده که حس کنجکاوی انسان را بر می‌انگیزد، تا به صفحه‌ی زیبای طبیعت بنگرد و ببیند که چگونه خدا از آبی بی‌رنگ صدها

رنگ پدید آورده است که میوه‌ها و کوه‌های رنگارنگ از جمله‌ی آنهاست ... با مطالعات رنگ‌شناسی، خداشناس شوید. به صحنه‌ی طبیعت رنگارنگ و نزول باران بنگرید (و نشانه‌های عظمت و قدرت خدا را ببینید).» (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۱۷/۱۱۸)

اما هنگامی که با نگاه خاص به سراغ قرآن رفتیم، چنین برداشت‌هایی بی‌رنگ یا کم‌رنگ می‌گردد. در این آیه بدون دقت در هدف آن در بیان قدرت پروردگار برای خشیت دانایان در برابر ذات اقدس اله برای استفاده رنگ‌ها از دیدگاه قرآن، چنین برداشت شده که مشاهده رنگارنگی در خوراکی‌ها، دیدن و خوردنش را لذت بخش‌تر می‌کند. (ر. ک: شریفی، قرآن و علم، ۱۳، ۱۶۷)

۶. دعوت از متفکران برای نظریه‌پردازی در علوم.

در آیات قرآن به جز آیات مشتمل بر اعجاز علمی، آیات دربرگیرنده اشارات علمی شگفت آور و نیز اشارات علمی اندیشه‌ساز و آیات دعوت‌کننده به اندیشیدن در نظام جهان، آیاتی وجود دارد که مشتمل بر مطالب علمی در زمینه علوم طبیعی و انسانی است که دست بشر تاکنون به دامان آن مطالب راقیه نایل نشده است.

برای دانشمندان معتقد به قرآن، که در منطبق با واقع بودن و درستی مطالب قرآن شکی به دل راه نمی‌دهند، این گونه آیات علمی قرآن پایه‌ای محکم برای اثبات آن مطلب علمی از راه‌های بشری خواهد بود. اما برای دانشمندان غیر مؤمن به قرآن، که آیات فراوان مشتمل بر اعجاز علمی، آیات دربرگیرنده اشارات علمی شگفت آور و نیز اشارات علمی اندیشه‌ساز و آیات دعوت‌کننده به اندیشیدن در نظام جهان را منصفانه دیده و با روش‌های تجربی، مطابقت آن‌ها با واقع را دریافته‌اند، انصاف علمی اقتضا می‌کند هنگامی که به آیات مشتمل بر مطالب علمی که بشر تاکنون به آن مطالب دست نیافته رسید، - با توجه به آن پیش زمینه از سایر آیات - با حسن نظر به این آیات توجه نموده و لااقل به دید یک نظریه قابل توجه به آن دقت نموده و در پی بررسی آن از راه‌های تجربی برآید.

به عنوان نمونه «علوم تربیتی بر اساس روش تجربی استوار است اما قرآن در کنار این روش عام روش شهودی را در آن مطرح می‌کند و علاوه بر طرح عنصر وحی در تربیت انسان از الهامات خوب و بد به نفس انسان سخن می‌گوید: وَ نَفْسٍ وَّ مَا سَوَّاهَا * فَأَلَّهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا (شمس / ۷ و ۸)؛ «سوگند به نفس و آنکه آن را مرتب ساخت! و بد کاریش و پارسایی‌اش را به او الهام کرد.» و حتی از معلمی سخن می‌گوید که با علم لدنی به تعلیم و تربیت می‌پردازد: وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا (کهف / ۶۵)؛ و «دانشی از نزد خویش به او آموخته بودیم.» همان طور که از نقش تجربه در تربیت انسان غافل نیست و همگان را به گردش‌گری در زمین و عبرت‌آموزی از تجارب و آثار گذشتگان فرا می‌خواند: أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ

فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَلَّا تَعْلَمُونَ (يوسف / ۱۰۹)؛ «آیا در زمین گردش نکرده اند، تا بنگرند، چگونه بوده است فرجام کسانی که پیش از آنان بودند؟ و حتماً سرای آخرت برای کسانی که خودنگهداری (و پارسایی) کردند بهتر است؛ پس آیا خردورزی نمی کنید؟!» و نیز قرآن در روش های خاص تربیتی از روش تزکیه و تلاوت یاد می کند: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (جمعه / ۲)؛ «او کسی است که در میان درس ناخواندگان فرستاده ای از خودشان برانگیخت؛ که آیاتش را بر آنان می خواند [و پیروی می کند] و رشدشان می دهد [و پاکشان می گرداند] و کتاب [خدا] و فرزاندگی به آنان می آموزد؛ در حالی که قطعاً پیش از [آن] در گمراهی آشکاری بودند. که در روش های مرسوم علوم تربیتی رایج نیست.» (رضایی اصفهانی، آراء متفکران معاصر قرآنی ۱۳۹۵: ۲ / ۲۲۲)

نمونه هایی دیگر از نظریه پردازی های قرآن در حوزه علوم انسانی عبارتند از: «تأثیر آموزه های جهان شناسی و انسان شناسی قرآن در مبانی علوم تربیتی، تأثیر آموزه های قرآنی در حوزه روش های تربیت، تأثیر آموزه های قرآنی در حوزه اهداف تربیت، نظام اقتصادی مبتنی بر قرآن، اقتصاد بدون ربا، تأثیر عوامل معنوی (تقوا) در رشد اقتصادی، تشکیل انسان از جسم و روح الهی، نظام سیاسی قرآنی مشروعیت از بالا، نظام اجتماعی مبتنی بر قرآن، سنت ها و قوانین ثابت حاکم بر جامعه، نظام مدیریتی مبتنی بر قرآن، طرح عنصر شرح صدر در مدیریت.» (همان، ۲ / ۲۲۵ و ۲۲۶)

نتیجه گیری

هدف اصلی از نزول قرآن، هدایت است و در راستای این هدف، برای بیان آیات علمی، اهداف فرعی دیگری نیز قابل تصور است: هموار نمودن شناخت خداوند برای خضوع در برابر او، زمینه سازی برای پذیرش معاد با بیان قدرت پروردگار، اثبات رسالت پیامبر و اعجاز قرآن از راه اثبات فرابشری بودن مطالب دقیق علمی، نشان دادن اهمیت و جایگاه علم از دیدگاه اسلام، ایجاد پرسش در ذهن بشر و دعوت او به تفکر در شگفتی های علوم با برانگیختن حس کنجکاوی، دعوت از متفکران برای نظریه پردازی در علوم.

برداشت علمی از آیات قرآن که پدیده ای مبارک در عرصه تفسیر است، برای رسیدن به درجه اعتبار، ناگزیر باید تابع قواعد و شرایطی باشد که یکی از شرایط مهم آن، در نظر گرفتن اهداف اصلی و فرعی خداوند از نزول این گونه آیات است که در غیر این صورت و با نگاهی کاملاً علمی و بدون حاکمیت

روح و هدف قرآن در تفسیر، برداشت علمی دچار تفسیر به رأی، انحراف از اهداف الهی و نقض غرض پروردگار خواهد بود.

منابع

قرآن کریم، ترجمه دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و گروهی از اساتید جامعه المصطفی (۱۳۸۳ ش)، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، قم.

ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰ ق)، تفسیر التحریر و التنویر، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت.
بوکای، موریس، (۱۳۸۶ ش)، مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ دوازدهم.

جمیلی (السید الجمیلی)، (۲۰۰۰ م)، الإعجاز العلمی فی القرآن، دار و مكتبة الهلال / دار الوسام، بیروت، بی چا.

حسنی یوسف، محمد، (۲۰۰۶ م)، الإعجاز العلمی فی أسرار القرآن الکریم و السنة النبویة، دار الکتب العربی، قاهره / دمشق.

رضائی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۱ ش)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات کتاب مبین، رشت، چاپ سوم.

– (۱۳۷۵ ش)، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، اسوه، قم.

– (۱۳۸۷ ش)، تفسیر قرآن مهر، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، قم.

– (۱۳۹۵ ش)، آراء متفکران معاصر قرآنی، جامعه المصطفی العالمیه، قم.

زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الکتب العربی، بیروت، چاپ سوم.

طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم.
عباس نژاد، محسن و همکاران، (۱۳۸۵ ش)، قرآن، ادب و هنر، مؤسسه انتشاراتی بنیاد پژوهشهای قرآن حوزه و دانشگاه، مشهد.

– (۱۳۸۴ ش)، قرآن و اقتصاد، مؤسسه انتشاراتی بنیاد پژوهشهای قرآن حوزه و دانشگاه، مشهد.

– (۱۳۸۵ ش)، قرآن و حقوق، مؤسسه انتشاراتی بنیاد پژوهشهای قرآن حوزه و دانشگاه، مشهد.

– (۱۳۸۴ ش)، قرآن، روان‌شناسی و علوم تربیتی، مؤسسه انتشاراتی بنیاد پژوهش‌های قرآن حوزه و دانشگاه، مشهد.

– (۱۳۸۵ ش)، قرآن و طب، مؤسسه انتشاراتی بنیاد پژوهش‌های قرآن حوزه و دانشگاه، مشهد.

– (۱۳۸۴ ش)، قرآن و علوم طبیعی، مؤسسه انتشاراتی بنیاد پژوهش‌های قرآن حوزه و دانشگاه، مشهد.

– (۱۳۸۴ ش)، قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، مؤسسه انتشاراتی بنیاد پژوهش‌های قرآن حوزه و دانشگاه، مشهد.

فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.

معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۵ ق)، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ دوم.

مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۱ ش)، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، تهران.

– بی‌تا، تفسیر بر رأی و هرج و مرج ادبی، نسل جوان، قم.

مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۶ ش)، معارف قرآن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.

مقالات:

بررسی اعجاز روان‌شناختی قرآن، مرویان حسینی، سید محمود، ۱۳۹۲، قرآن و علم، پاییز و زمستان، ۱۳.

رنگ از منظر قرآن، حدیث و روان‌شناسی، شریفی، علی، ۱۳۹۳، قرآن و علم، بهار و تابستان، ۱۴.